نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت با تأكيد بر فقه سياسي شيعه

نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت با تأكيد بر فقه سياسي شيعه

علي كارشناس[1]

چكيده

تمدن نوين اسلامي، در اصول جهانشمول اسلام ريشه دارد. اين اصول عبارت است از: توحيد، جامعيت دين اسلام، عقل گرايي و خردورزي، علم گرايي، عدالت محوري، حريت و آزاداندیشي، تدين و معنويت مداري، اخلاق مداري اشاره كرد؛ اين اصول كه تمسک به آن ايجادگر وحدت امت اسلامي است. اين مقاله بر اين هدف است كه نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت با تأكيد بر فقه سياسي شيعه و با بهره گيري از روش توصيفي- تحليلي بررسي نمايد. سؤال اصلي تحقيق حاضر آن است كه نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت با تأكيد بر فقه سياسي شيعه چيست؟

يافته اين مقاله اين است كه فقه سياسي شيعه يك فقه تمدن ساز و داراي شموليت و جامعيت است، تمدّن نوين اسلامي نقشي بس عظيم در ايجاد وحدت امت اسلامي دارد.

واژگان كليدي: تمدن، تمدن نوين اسلامي، فقه سياسي، توحيد، وحدت.

1. مقدمه

1-1. طرح مسئله

ضرورت توجه به تمدن نوين اسلامي، مورد توجه هر مسلمان متعهدي است؛ فقه سياسي شيعه با تحقق انقلاب اسلامد؛ توان خود را جهت مديريت اين جريان به صحنه آورده است تا ديگر شاهد گسستگي در ميان مسلمانان روبهرو نباشيم. در فضايي كه سايهي فرهنگ مدرنيته همهي ذهنها را فرا گرفته است شناخت و تبيين چيستي و چگونگي تمدن نوين اسلامي و نقش آن در وحدت امت مسلمانان از جايگاه بسزايي برخوردار است. با توجه به اينكه جامعه اسلامي هر روز رو به پيشرفت است و اين طبيعي است كه با هر پيشرفتي در هر جامعه اي دشمنان آن ها نيز بيكار نمي نشينند و با ايجاد تفرقه و از بين بردن وحدت در بين مسلمين تمدن اسلامي را كه از نظر خود غربي ها در سه تمدن اوليه موجود در جهان است را از بين مي برند. بر اين اساس و با توجه به تأكيدهاي مكرّر مقام معظم رهبري سؤال اصلي تحقيق حاضر آن است كه نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت با تأكيد بر فقه سياسي شيعه چيست؟

1-2. اهميت و ضرورت تحقيق

تحقيق پيرامون نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت؛ علاوه بر تأمين نياز علمي در اين زمينه، داراي فوايد عملي و آرماني است؛ با توجه به نظريه جهاني سازي غرب و توسعه طلبي غرب براي گسترش فرهنگ و تمدن غربي بر جوامع اسلامي؛ تنها راهكار و راهبرد نظري ما در برابر استيلاي تمدن غرب، شناخت و آگاهي از تمدن نوين اسلامي است كه نقشي مهم و اساسي در تحقق وحدت امت اسلامي ايفا مي كند.

1-3. پژوهش پيشينه a)

«تاريخ ابن خلدون»، «تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي» تأليف جان احمدي، «فرهنگ و تمدن اسلامي» تأليف دكتر ولايتي درباره دستاوردهاي تمدن اسلامي بحث كرده است؛ ولي هيچ يک از منابع مذكور مسئله نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت با تأكيد بر فقه سياسي شيعه را مورد كنكاش و بررسي قرار نداده اند؛ از اين رو، پژوهش حاضر كم نظير است.

1-4. فرضيه پژوهش

فرضيه ما اين است كه اصول تمدن نوين اسلامي در راستاي تحقق وحدت اسلامي بر مبناي فقه سياسي شيعه عبارتند از: فطرت توحيدي، عقلانيت و خردورزي، جامعيت دين اسلام، نظام امامت و رهبري الهي، امت واحده اسلامي، قانون فراگير الهي و عدالت محوري.

b) 1-4. روش شناسي پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصيفي - تحليلي است. در پژوهش حاضر از روش توصيف داده‌ها و تحليل تاريخي با استفاده از منابع و روش اسنادي و مراجعه به كتابخانه و اينترنت استفاده شده است. تحقيق حاضر از نوع تحقيقات بنيادين است كه با تأكيد بر فقه سياسي شيعه به بررسي و تجزيه و تحليل اطلاعات و اسناد و مدارک براي يافتن نقش تمدن نوين اسلامي در ايجاد وحدت امت و قضاوت ارزشي پيرامون آنها مي پردازد.

c) 2. مفهوم شناسي

i) 2-1. فقه سياسي

واژه «فقه» در لغت به معناي فهم عميق، ادراک خفي (ريزبيني)(سيد نعمت ا جزايري، فروغ اللغات، ص176) و دستيابي به مجهولات با استفاده از معلوماتراغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، ص642)، دانستن و ادراك است (ابن منظور، 1405ق، ج 13: 522) و در اصطلاح به معناي علم به احكام شرعي فرعي از روي ادله تفصيلي آن است (ابن مكي عاملي، 1419ق، ج 1 : 40)

فقه سياسي، شاخه اي از انديشه سياسي اسلام است كه با تكيه بر روش شناسي اجتهاد، در عرصه اجتماع و سياست، نحو ارتباط فرد با ديگر شهروندان، پيوند شهروندان با دولت، ارتباط دولت اسلامي با ديگر دولتها و ارائه الگوهاي مطلوب را بررسي مي كند(سيدباقري،1388/ 25)

ii) 2-2. تمدن

واژه‌ي تمدن يا Civilization در لغت به معناي شهرنشين شدن و اقامت در شهر است (معين، ج1: 1139؛ امين، 1425 :11) ودر اصطلاح، مجموعه اي از پديده هاي قابل انتقال اجتماعي است(ساروخاني، 1370، ج 1 : 99؛ ر. ک. مشكاني سبزواري و فقيه،1391 :30)

از ديدگاه نگارنده، تمدن به معناي تشكيل نظام هاي اجتماعي، تحت سيطره فرهنگ خاص است (ر.ک.

آشوري، 1381 : 128) تمدن اسلامي، تمدني ديني است كه همه مؤلفه‌هاي آن بر محور اسلام مي‌گردد... بدين ترتيب، تمدن اسلامي از همه ويژگي‌هاي تمدن الهي در چهارچوب آموزه‌هاي قرآني و متكي بر سنت پيامبر اكرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌هاي آن، دين، اخلاق، علم، عدالت، قوانين، مقررات، اصول ديني و غيره است (جان احمدي، 1388: 51-52). مقام معظم رهبري تمدن اسلامي را فضايي مي‌داند كه انسان در آن فضا به لحاظ معنوي و مادّي مي‌تواند رشد كند و به غايات مطلوبي برسد كه خداي متعال او را براي آن غايات خلق كرده است. زندگي خوب و عزّتمندي داشته باشد، انسان عزيز، انسان داراي قدرت، داراي اراده، داراي ابتكار، داراي سازندگي جهان طبيعت. تمدّن اسلامي به اين معني است و هدف و آرمان نظام جمهوري اسلامي اين است (بيانات مقام معظم رهبري، 22/03/1383).

اصول تمدن نوين اسلامي در قرآن‌كريم عبارت‌اند از: فطرت توحيدي(روم: 30)، عقلانيت و خردورزي (اسراء: 36)، نظام امامت و رهبري الهي (رعد: 7)، عدالت محوري(حديد:25)، جامعيت اسلام(نحل:89)، امت واحد جهاني (نور:55)، قانون يكپارچة جهاني (اعراف:52)،

iii) 2-3. تمدن نوين سازي اسلامي

«تمدن سازي نوين اسلامي» عبارت است از: پيشرفت همه جانبه مظاهر مادي و معنوي مسلمانان در دو سخت افزاري و نرم افزاري تمدن اسلامي، جهت شكوفايي جامعه و رشد و بالندگي مسلمانان و دستيابي آنان به پيشرفت دنيوي و سعادت اخروي(«معيني پور، مسعود و لک زايي، رضا، اركان امت واحده و تمدن اسلامي از منظر امام خميني(قدس سرّه) و مقام معظم رهبري»، فصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات انقلاب اسلامي، ش ۲۸، ص ۵۴-۵۵)

شكل گيري تمدن نوين اسلامي بايد با توجه به «مباني مشترک تمامي مذاهب اسلامي» و نه ايران شيعي باشد(بيانات مورخ ۲۶/۶/۱۳۹۰)

مهم‌ترين اصول تمدن نوين اسلامي كه عناصري وحدت آفرين در ميان امت اسلامي به شمار مي آيند، به شرح زير است:

d) 1. فطرت توحيدي

سرشت و فطرت مشترک از بنيان هاي تمدن نوين اسلامي است که عاملي وحدت آفرين در ميان مسلمانان به شمار مي آيد؛ چرا که عنصري فرا مذهبي است که خداوند متعال آن را به رسم امانت در نهاد مسلمانان بلکه همه انسانها قرار داده است:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ.(روم:30)

پس، روي خود را متوجه آيين خالص پروردگار کن! اين فطرتي است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفريده؛ دگرگوني در آفرينش الهي نيست؛ اين است آيين استوار.

فطرت در جامعة جهاني اسلام ميان همة مردم جهان پيوند برادري و اخوت مبتني بر ايمان را برقرار مي‌نمايد و فراگيرترين عامل هم‌گرايي اجتماعي مؤمنان به‌شمارمي‌رود. عامل اساسي جاودانگي اسلام، انطباق کامل دستورات اسلام با فطرت انساني است. اتّکا و وابستگي اسلام به روح و فطرت امري بديهي و غير قابل انکار است. از آنجا که روح و فطرت انسانها تغييرناپذير است دين اسلام نيز که مبتني بر فطرت آدمي است تغيير ناپذير است، نيازهاي متغير و گوناگون بشري هرگز در پاسخ گويي دين نسبت به نيازهاي ثابت انسانها، خللي ايجاد نمي کند. بدين ترتيب تطابق اسلام با فطرت يکي از رمزهاي جاودانگي و جامعيت اسلام خواهد بود.

e) 2.خردورزي و عقلانيت

عقلانيت و خردورزي از بنيان هاي تمدن نوين اسلامي است است؛ به گونه اي که در اصول دين اسلام، تقليد جايز نيست و بايد عقايد خويش را بر دلايل عقلاني و خردپسند، استوار ساخت. از سوي ديگر، در آيين مترقّي اسلام، ميان احکام و دستورات عقل و شرع، تلازم و هماهنگي وجود دارد که از آن تحت عنوان«قاعده ملازمه ميان حکم عقل و حکم شرع»، ياد مي شود:

كُلَّما حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كُلَّما حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ(ر.ک. طباطبايي، 1421، ج 16: 182)

هر چه را عقل حکم کند، شرع بر طبق آن حکم مي‌کند و هر چه را شرع فرمان دهد، عقل نيز به آن

فرمان مىدهد.

حكومت امام مهدي عليه السلام كه منتهاي اوج و اعتلاي تمدن نوين اسلامي است؛ مبتني بر عقلانيت و حكمت و خردورزي است امام باقر(عليه السّلام) در اين باره فرمود:

... مردم در زمان قائم(عليه السّلام)از حكمت برخوردار مىشوند تا آنجا كه زن در خانهاش به كتاب خدا و سنت پيامبر (صلّي ا عليه وآله) قضاوت مىكند(نعماني، : 158)

همچنين، فرمود:

هنگامي كه قائم ما قيام كند، دستش را بر سر بندگان مىنهد و به واسطه آن، عقلهاشان جمع شده و افكار و انديشهشان كامل مىشود(مجلسي،1403ق: ج 52 : 328)

مقام معظم رهبري عقلانيت را كه يكي از شاخصههاي بارز و مهم تمدن اسلامي است، چنين تعريف كردهاند: «عقلانيت يعني نيروي خرد انسان را استخراج كردن و آن را بر تفكرات و اعمال انسان حاكم قرار دادن. براي تشكيل مدينه فاضله و امت واحده اسلامي و تمدن بزرگ اسلام». (بيانات مقام معظم رهبري، 29/4/1388). به باور مقام معظم رهبري، تمدن نوين اسلامي و تشكيل امت واحده اسلامي نيازمند تربيت عقلاني است. (بيانات مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۸)

ت ّجامعي.3 f)

جامعيت اسلام و توجه به تمام ابعاد وجودي انسان اعمّ از مادّي، معنوي، فردي و اجتماعي از بنيان هاي تمدن نوين اسلامي است. قرآن كريم مي فرمايد:

وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدي وَ رَحْمَةً وَ بُشْري لِلْمُسْلِمينَ (نحل:89)

اينكتابي كه بر تو نازل كردهايم توضيح همه چيز و هدايت و رحمت و بشارت مسلمانان است.

وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ إِلاّ َ في كِتابٍ مُبينٍ (انعام:59)

هيچ تري و خشكي،مگر اينكه در كتاب مبين خدا است.

اسلام به دليل جامع نگري اش، هم جهات روحي و معنوي بشر را در نظر گرفته و هم به جهات مادّي و جسماني او توجه داشته است و براي تمام ابعاد وجودي او احكام و قوانيني مقرّر كرده است و همين جامعيت و جامع نگري اسلام درباره انسان، اين آيين آسماني و الهي را فرا زماني و فرا مكاني كرده است؛ زيرا انسان موجودي فرا زماني و فرا مكاني است. براي نمونه اسلام استفاده از دنيا و لذّات آن را، به شرط آن كه از چارچوب موازين شرع، خارج نباشد و به معنويّت و كمال بشر ضرر نزند، تأييد كرده است و از سوي ديگر نيز كسب معنويّات و ترقّي روحي را بر ناديده نگرفتن زندگي دنيوي مشروط نموده است؛ چنانكه امام سجاد (عليه السّلام) مي فرمايد:

لَيْسَ مِنّا مَنْ تَرَكَ دُنْياهُ لِاخِرَتِهِ وَ لا اخِرَتَهُ لِدُنْياه(حرعاملي، 1409، ج 17 : 76)

از ما نيست كسي كه دنيايش را براي آخرتش يا آخرتش را براي دنيايش رها كند.

از سوي ديگر، قوانين حكومت جهاني امام مهدي(ع) با نيازمنديهاي ثابت و متغير انسان، انطباق دارد و اين دليل ديگري بر جامعيت آن است.

از آنجا كه نيازهاي انسان، متنوّع است، قوانين اسلامي نيز متنوّع اند و به دو دسته قوانين ثابت و قوانين متغير تقسيم مي شوند و راهكار اسلام براي پاسخ گويي به نيازهاي متغير انسان، اجتهاد است. يكي از باورهايي كه از متون آيات و روايات استفاده مي شود و مورد اتّفاق همه مسلمانان است خاتميّت دين اسلام است؛ لازمه خاتميّت دين اسلام، جاودنگي احكام آن است؛ چرا كه بشر همواره نيازمند هدايت الهي است. اگر دين الهي، مخصوص زمان و يا مكان خاصّي باشد، سبب محروميّت انسانها و نسلهاي ديگر، از دين ميگردد و اين امر با ادّعاي خاتميّت و جاودانگي دين اسلام منافات دارد.

امام رضا(عليه السّلام) در اين باره مي فرمايد: مردي از امام صادق(عليه السّلام) پرسيد، چگونه است كه هر چه بيشتر، قرآن انتشار مي يابد و تدريس مي شود جز بر تازگي و طراوتش، چيزي افزوده نمي گردد، امام صادق(عليه السّلام) فرمود:

لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي لَمْ يَجْعَلْهُ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَي يَوْمِ الْقِيَامَةِ(مجلسي1403، ج17 :213؛ ابن بابويه1378، ج 2، ص 130)

زيرا خداوند تبارک و تعالي، قرآن را براي زماني خاصّ و مردمي خاصّ نفرستاده است؛ پس قرآن تا روز قيامت در هر زماني جديد و براي هر قومي تازه خواهد بود.

در روايت ديگري آمده است:

حكم الهي و تكاليف خداوند در حق اولين و آخرين(انسانها) يكسان است؛ مگر آن كه علّت يا پديده‌اي پيش آيد كه باعث دگرگوني حكم شود و نيز همگان نسبت به تغيير حكم، هنگام پيش آمدن حوادث همانند‌اند و واجبات بر همه يكسان است. همان كه از پيشينيان سؤال مي‌شود، از آيندگان نيز سؤال مي‌شود و مورد محاسبه قرار مي‌گيرند(كليني،1401، ج 5: 18)همچنين «احكام اسلام محدود به زمان و مكان نيست و تا ابد باقي و لازم‌الاجرا است»(موسوي خميني،1409 : 25) به همين دليل، اسلام در كنار قوانين و احكام ثابتش داراي يك سلسله مكانيزم‌هايي است كه مايه پاسخگويي به نيازهاي متغيّر انسان، متناسب با مقتضيات زمان مي گردد.دين اسلام بايد براي هر مسئله جديدي كه در تمدن نوين اسلامي مطرح مي‌شود، راهكار داشته باشد و اين امر به جامعيت قوانين اسلام باز مي‌گردد. مقام معظم رهبري مي‌فرمايند: روزي كه در جامعه و كشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصيت روحاني مانند امام وجود داشته باشند، شما ببينيد چه حركت عظيمي در اين جامعه به وجود خواهد آمد. وقتي در جامعه ما صدها نفر شخصيت داراي دانش دين و مسلط بر منطق و استدلال ديني در فلسفه و كلام و فلسفه جديد و محاجه با شبهه‌افكنان وجود داشته باشند، ببينيد چه اتفاق عظيمي در جامعه مي‌افتد. وقتي به وسيله همين مجموعه، هزاران كتاب، مجله و مقاله‌هاي علمي در سطح دنيا با زبان‌هاي مختلف منتشر شود، شما ببينيد چه خورشيد فروزاني از اين نقطه عالم بر همه فضاي فكري جهان بشري پرتو خواهد افكند. تحقق همه اين امور ميسر است (بيانات مقام معظم رهبري، 22/3/1385).

4. امامت نظام و رهبري الهي (g

ارادة الهي براين تعلّق گرفته است كه حاكميت خويش را درزمينة تدبير و ادارة سياسي جامعه به انسان‌هايي واگذار كند كه تجلّي ارادة اويند، هر چند اين تفويض از قدرت و حاكميت او نمي‌كاهد؛ اين انسان‌هاي برگزيده «پيامبران و امامان(ع)»اند. حاكميت در نظام جهاني قرآن به دست رهبر برگزيدة الهي است كه از جانب او اعمال حاكميت مي‌كند. حاكميت امام به معناي حاكميت قانون، عدالت، حق و معنويت است. جهانِ تحت حاكميت الهيِ امام به جهاني معنوي تبديل مي‌شود كه همگان را در مسير تكامل و تعالي قرار مي‌دهد. امام، قطب آرماني و فكري جهان،[2] حاكميت الهي را درنظام جهاني به اجرا مي‌گذارد و همة ملت‌ها و سرزمين‌ها را تحت عنوان «امت واحد» به سوي كمال و تعالي سوق مي‌دهد (ر.ك. جمالي، 1375: 161)

h) 5. واحد امت

از ديگر اركان نظام جهاني قرآن كريم « تحقق وعده الهي پيرامون امت واحد جهاني» است. امت درنظام جهاني اسلام نويددهندة جامعه‌اي متكامل است كه استعدادها و ارزش‌هاي انساني درآن شكوفا مي‌گردد و نيازهاي بنيادين فطرت و روح انساني درآن برآورده مي‌شود. محور فعاليت و حركت در آن نظام اجتماعي، «فطرت و هويت مشترك» و «فكر وارادة توأم با ايمان و باور» مي‌باشد (ر.ك. همان: 165) قرآن كريم، چنين نظامي را اين‌گونه بشارت مي‌دهد:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذينَ امَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْارْضِ كمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذي ارْتَضي لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ امْناً ... (نور: 55)

خداوند به كساني از شما كه ايمان آورده و عمل شايسته انجام داده‌اند وعده داده است كه آنان را خليفة خود در زمين قرار خواهد داد، آن‌گونه كه پيشينيان را خليفه گردانيده است. و بدون شك، ديني را كه براي آنها برگزيده است مستقر خواهد ساخت و همانا به آنها پس از يك دوره بيم وناامني امنيّت خواهد بخشيد.

براساس آيات قرآن، همة پيامبران و پيروانشان يک امت‌اند و تفاوت‌هاي ميان پيروان و پيامبران

هرگز دليلي بر دوگانگي آنان نيست. بر همين مبنا، قرآن مي‌كوشد تا با ترسيم دورنماي نظام واحد قرآني امت واحده‌اي را ايجاد كند كه در آن مردمان بر ايمان و توحيد الهي متحد و متفق‌اند. قرآن‌كريم مي‌فرمايد: «وَ إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون: 52)؛ اين آيه به وحدت جامعة انساني و حذف هرگونه تبعيض و جدايي دعوت مي‌كند، به اين بيان كه همان‌گونه كه خداوند متعال پروردگار واحد است، انسان‌ها نيز امت واحدند (مكارم شيرازي، 1366، ج 14: 258)

علّامه طباطبايي نيز وحدت جهاني جوامع انساني را امري يقيني دانسته كه تنها با اسلام تحقق مي‌يابد. از ديدگاه علامه، نوع انسان به حكم فطرتي كه در او به وديعت نهاده شده طالب كمال و سعادت حقيقي خود، يعني دستيابي به عالي‌ترين مراتب زندگي مادي و معنوي، است و روزي به آن دست خواهد يافت. اسلام كه دين توحيد است برنامة چنين سعادتي است (ر.ك. طباطبايي، 1421، ج 4: ۱۳۲-۱۳۱)

بر اساس روايات نيز، همه نقاط زمين تحت سيطره حكومت امام مهدي(عليه السّلام) قرار مي‌گيرد و عدالتش فراگير مي شود؛ امام باقر(عليه السّلام) در اين باره مي فرمايد:

الْقَائِمُ مِنَّا ... مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَي لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَي الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلا يَبْقَي فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ (ابن بابويه، 1395ق ، ج1: 331)

قائم ما(عليه السّلام) با نصرت الهي تأييد مي شود و زمين گنجهايش را بر وي آشكار مي سازد و حكومتش، شرق و غرب عالم را فرامي گيرد و خداوند به وسيله او دنش را بر تمام اديان، غلبه مي دهد- هرچند مشركان ناراحت شوند- پس در زمين خرابي اي باقي نمي ماند مگر آن كه آباد گردد

6. قانون فراگير الهي (i

قانون فراگيرجهاني، كه از مكتب انسان‌ساز اسلام و قرآن‌كريم سرچشمه مي‌گيرد، از عناصر وحدت‌بخش جهاني‌شدن در قرآن‌كريم است. به اعتقاد مقام معظم رهبري، عامل اصلي دشمني معاندان با ايران اسلامي محوريت قوانين الهي برگرفته از قرآن كريم است (ر. ك. بيانات مقام معظم رهبري، 26/6/1390). به

باور مقام معظم رهبري، هدف نهايي نظام اسلامي، ايجاد امت واحد اسلامي و تمدن اسلامي جديد است. (همان)ازآنجاكه انسان مدني بالطبع است، ناگزير از آن است كه نيازهاي خويش را با همكاري و تعاون و نظام اجتماعي به‌دست آورد. ازسوي‌ديگر، تعارض و تزاحم ميان خواسته‌هاي بشري و روح سيري‌ناپذير وي نياز به قانون را تشديد مي‌كند. بهترين قانون قانوني است كه از جانب آفريدگار انسان و به دور از هر تحريفي به‌دست بشر رسيده باشد، چراكه وي به‌خوبي انسان و نيازهاي وي را مي‌شناسد و از قانون‌گزاري براي انسان هيچ‌گونه انتفاعي نمي‌برد (ر.ك. سبحاني، 1411: ج2: 30-24) اين قانون همان قانون حيات‌بخش قرآن‌كريم است؛ قرآن‌كريم از سوي خداوند متعال براي هدايت بشر به سوي كمال و سعادت نازل شده است و، ازاين‌رو، تنها قانون جامع در ميان انسان‌هاست كه مبتني بر فطرت است؛ قرآن كريم قادر است كه انسان را در نظام جهاني قرآن به سعادت وعده‌داده‌شدة الهي رهنمون سازد؛ خداوند سبحان در توصيف جامعيت قرآن‌كريم مي‌فرمايد:

وَ لَقَدْ جِئْناهُمْ بِكِتابٍ فَصَّلْناهُ عَلي‌ عِلْمٍ هُدي وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (اعراف: 52)

و درحقيقت، ما براي آنان كتابي آورديم كه آن را از روي دانش، روشن و شيوايش ساخته‌ايم، و براي گروهي كه ايمان مي‌آورند هدايت و رحمتي است.

امام خميني (ره) اعتقاد به محوريت قوانين قرآن را از پيش‌فرض‌هاي امت واحده و تمدن نوين اسلامي مي دانستند (موسوي خميني ره، صحيفه نور، ج 10: 449).مقام معظم رهبري نيز شكل‌گيري تمدن نوين اسلامي را مبتني بر «مباني مشترک همه مذاهب اسلامي» مي داند كه مهم ترين منبع مشترک ميان مسلمانان ، همان قرآن كريم است(ر. ک. بيانات مقام معظم رهبري، 26/6/1390)

قرآن‌كريم، به‌صراحت، مسلمانان را به وحدت فراخوانده، از تفرقه‌افكني منع مي‌نمايد:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا ... . (آل‌عمران: 103)

و همگي به ريسمان خدا چنگ زنيد و پراكنده نشويد.

بر اين اساس، وحدت مسلمانان و كاهش وابستگي به قدرت‌هاي بيگانه در ابعاد سياسي، فرهنگي و اقتصادي و حمايت از حقوق ملت‌هاي مسلمان در صحنه‌هاي بين‌المللي شكوفايي ظرفيت وحدت امت اسلامي در

حل مسائل جهان اسلام را در پي دارد.

j) نتيجه‌گيري

«تمدن سازي نوين اسلامي» پيشرفت همه جانبه مظاهر مادي و معنوي مسلمانان در دو سخت افزاري و نرم افزاري تمدن اسلامي، جهت شكوفايي جامعه و رشد و بالندگي مسلمانان و دستيابي آنان به پيشرفت دنيوي و سعادت اخروي است؛ در اين ميان نقش فقه سياسي شيعه در تمدن سازي، هدايت و تكامل زندگي اجتماعي، نقشي فراگير و مثبت است؛ از آنجا كه دين براي اداره زندگي انسان در تمام جوانب آمده است (دين حداكثري) و تمدن برجسته ترين حيثيت زندگي انسان است. تمدن نوين اسلامي، با رويكردي كل نگر غايت جامعه‌سازي و امت سازي را ايفا مي كند تا آن كه امت واحده تشكيل شود. اصول تمدن نوين اسلامي عبارتند از: فطرت توحيدي، عقلانيت و خردورزي، جامعيت دين اسلام، عدالت محوري، نظام امامت و رهبري الهي، امت واحد و قانون فراگير الهي؛ از اين رو، تمدن نوين اسلامي نقشي بس عظيم در پويايي، شكوفايي و رشد جامع و همه سو نگر جامعه اسلامي در پي دارد. .بي شک وحدت فرق اسلامي از شيعه و سني باعث تمدن سازي شده و مشت محكي بر دهان دشمنان اسلام است .

فهرست منابع

قرآن كريم.

نهج البلاغه.

[امام] خامنه اي، سيدعلى(1390) نرم افزار حديث ولايت(بيانات و مكتوبات)، مؤسسه كامپيوتري نور، قم.

ابن مكي عاملي، محمد (شهيد اول) (1419 ه. ق). ذكري الشيعه، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.

ابن منظور، محمدبن مكرم (1405 ه. ق). لسان العرب، بيروت، داراحياءالتراث العربى.

ابن‌بابويه، محمدبن‌علي (1378). عيون أخبار الرضا عليه السلام، تحقيق و تصحيح: مهدي لاجوردي، نشر جهان، تهران.

_ (1395). كمال الدين و تمام النعمه، تصحيح علي‌اكبر غفاري، تهران، اسلاميه.

اربلاستر، آنتوني (1367). ظهور و سقوط ليبراليسم، ترجمة عباس مخبر، تهران، نشر مركز.

اربلاستر، آنتوني (1367). ظهور و سقوط ليبراليسم، ترجمة عباس مخبر، تهران، نشر مركز.

امين، احمد (1425 ه. ق). ضحي الاسلام، بيروت، دارالكتاب العربى.

آشوري، داريوش (1381)، تعريف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، آگه.

بهروزلک، غلام‌رضا (1386). سیاست و مهدویت، قم، آیندة روشن.

پیشگاهي، زهرا (1380). نگرش ژئوپلتیکي بر پدیدة جهاني شدن، تئوري نظام‌هاي فضا- منطقه‌اي، تهران، دورة عالي جنگ.

حاجتي، میراحمدرضا (1381). عصر امام خمیني، قم، بوستان کتاب.

حرعاملي، محمد بن حسن(1409 ه. ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

حرعاملي، محمد بن حسن(1409). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

حقیقت، صادق (1387). روش‌شناسي علوم سیاسي، قم، دانشگاه مفید.

خصیبي، حسین‌بن‌حمدان (1419). الهدایه°° الکبري، بیروت، البلاغ.

ساروخاني، باقر (1370)، درآمدي بر دائره المعارف علوم اجتماعي، تهران، کیهان.

سبحاني، جعفر (1411). الالهیات علي هدي الکتاب و السنه°° و العقل، قم، مکتب دارالاعلام الاسلامي.

سروش، عبدالکریم (1378)، مدارا و مدیریت، تهران، صراط.

سیدباقري، سید کاظم(1388). فقه سیاسي شیعه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.

صافي گلپایگاني، لطف‌ا (1380). منتخب‌الاثر، قم، مکتب آیت ا صافي گلپایگاني.

طاهرزاده، اصغر(1391) تمدن زایي شیعي، اصفهان، لب المیزان.

طباطبایي، محمدحسین (1421 ه. ق). المیزان في تفسیر القرآن، قم، مؤسسة نشر اسلامي.

طبرسي، ابوعلي فضل‌بن‌حسن (1406). مجمع‌البیان في تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.

طيب، عبدالحسين(1378). اطيب البيان، تهران، انتشارات اسلام.

عروسي حويزي، عبد علي بن جمعه(1415). تفسير نور الثقلين، قم، انتشارات اسماعيليان.

عميد، حسن (1342). فرهنگ لغت فارسي عميد، تهران، كتابخانه سينا.

فيض كاشاني، محمد بن مرتضي(1361)محجه البيضاء في تهذيب الاحياء، قم، اسلامي.

كليني، محمدبن يعقوب (1401 ه. ق). الكافي، به تصحيح علي اكبر غفاري، بيروت، دارالاضواء.

مجلسي، محمدباقر (1403ه. ق). بحارالانوار، بيروت، داراحياء التراث العربي.

مطهّري، مرتضي (1362). خدمات متقابل اسلام و ايران، قم، صدرا.

معيني پور، مسعود و لک زايي، رضا، اركان امت واحده و تمدن اسلامي از منظر امام خميني(قدس سرّه) و مقام معظم رهبري»، فصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات انقلاب اسلامي، دوره 9، ش ۲۸، بهار 1391، ص ۵۴-۵۵

مكارم شيرازي، ناصر (1366). تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

موسوي خميني، سيد روح ا(1409). صحيفه نور، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

الهلالي، سليم بن قيس(1405). كتاب سليم بن قيس الهلالي، تحقيق و تصحيح: محمد انصاري زنجاني خوئيني، قم، الهادى.

الياده، ميرچا (1374). فرهنگ و دين، ترجمة هيئت مترجمان، تهران، طرح نو.

[1]. استاد حوزه علميه قم، دكتري فقه و اصول و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق(عليه السلام) ؛09371896707

[2]. امام، قطب ايدئولوژيك نظام جهاني اسلام، از طريق گزينش الهي و بيعت مردمي، سكان هدايت جامعة بشري را به عهده دارد. اميرمؤمنان امام را به «قطب الرّحا»، يعني محوري كه سنگ آسياب به دور آن مي‌چرخد، تشبيه فرموده است: «وَانَّهُ لَيَعْلَمُ انَّ مَحَلّي مِنْها مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحا» (نهج‌البلاغه، خطبة 3)؛ درحالي‌كه او (خليفه) نيك مي‌دانست كه موقعيت ونقش من (اميرمؤمنان) چون قطب در سنگ آسياب است.